

این فعالیت‌ها برای حرکت منظم از طرف خاندان پیامبر کافی نبود یعنی برای در دست گرفتن قدرت و زمام حکومت کافی نبود.

تحلیل قیام امام حسین(ع)

هدف قیام امام حسین(ع) تنها حکومت نبود زیرا از کیفیت رفتار آن حضرت کاملاً مشهود بود که حساب شهادت و آینده‌ی خونین را کرده بود، از طرفی صرف به شهادت رسیدن هم نبود زیرا خودش می‌فرمود که برای اقامه حق و امر به معروف و نهی از منکر می‌روم. برداشت شیعیان معاصر آن حضرت از این حرکت جز تلاش ایشان برای ایجاد یک محیط اسلامی نبود.

* در حقیقت قیام امام حسین برای انجام یک واجبی است که آن واجب تا آن ساعت در اسلام انجام نگرفته بود و حتی شخص پیغمبر هم که رهبر انقلاب است نمی‌توانست آن را انجام دهد. این وجه ثالث قیام امام حسین است.

* **هدف اصلی امام حسین(ع) تجدید انقلاب اسلامی پیامبر بود:** بعد از پدید آمدن ارتجاع و خارج شدن قطار منظم جامعه اسلامی از خط، تجدید انقلاب اسلامی پیامبر واجب بود. این عمل امام حسین را خود پیامبر نمی‌توانست انجام دهد زیرا در زمان رهبر یک انقلاب که ارتجاع پیش نمی‌آید ارتجاع مربوط به بعد است.

* مسئله امام حسین این نبود که خاندان پیغمبر در صدد باشند که حق از دست رفته‌ی خود را و حکومت غصب شده‌ی خود را مجدداً پس بگیرند، بلکه این مسئولیتی بود به عهده فرزندان امام حسین از امام سجاد تا امام دوازدهم.

دو مسئولیت امام سجاد و امام باقر(ع):

۱- تبیین حقایق دین و روشن کردن و تشریح کردن اصول اسلامی

۲- تشکیل یک جمعیت مجهز مردمی که بتوان به وسیله آن بر حکومت زمان فائق آمد و او را کنار زد.

امام صادق(ع) ادامه دهنده روش پدر: در زمان امام صادق دشمنان دیرین بنی هاشم، یعنی بنی امیه در نهایت ضعف و انحطاط بودند. اواخر دوران بنی امیه، اوایل نشاط امامت امام صادق بود. به همین خاطر مبارزاتش خیلی حاد، صریح و قاطع بود. بر اثر فعالیت‌ها و تلاش‌های همه جانبه‌ی امام صادق و یارانش، مردم آگاهی پیدا کردند و مظالم بنی‌امیه فاش شد و جریانی به وجود آمد که حکومت اموی را واژگون کرد و عده تازه نفسی به نام بنی عباس روی کار آمدند.

دلیل تشکیل ندادن حکومت توسط امام صادق پس از سقوط امویان:

چون شرایطی که برای حکومت یک خاندان انقلابی ضروری و حتمی بود در دوران انقلاب بنی‌عباس وجود نداشت، مردم هنوز به کامل آماده نبودند که کسی مانند آن بزرگواران زمام حکومت را به دست بگیرد. در حقیقت قیام ابو مسلم خراسانی که از خراسان شروع شد یک انقلاب زود رسی بود و مردم هنوز آماده نبودند اگر این انقلاب ده یا بیست سال بعد از آن انجام می‌گرفت در راس آن امام صادق یا فرزند بزرگوارش قرار می‌گرفتند.

* دلیل مشکلات امام علی(ع) نیز بعد از قبول خلافت، به خاطر آماده نبودن مردم و زمینه بود.

* دلیل اینکه امیرالمؤمنین می‌فرمود که اگر اجتماع جمعیت نبود «لألّقیّت حبّیها علی غاربها» من باز هم خلافت را قبول نمی‌کردم، به خاطر این بود که علی (ع) می‌دید موقعیت آماده نیست و این ناآمادگی در زمان امام صادق (ع) و امام باقر (ع) یعنی در زمان شکوفا شدن نهضت ضد اموی و رویس کار آمدن نهضت عباسی و ابومسلم خراسانی و... به حد کمال بود.

سخت شدن کار امام صادق با تحکیم موقعیت بنی عباس

دشمنان اهل بیت عوض شدند و دوستان قدیم که امروز حکومت را در دست داشتند، دشمنان جدید شدند. منصور، سفاح و داوود بن ابی عباس و... که با امام صادق دور هم می‌نشستند و صحبت براندازی حکومت امویان را میکردند حالا در صف دشمنان بودند. یک حکومت تازه نفس وقتی روی کار بیاید، مبارزه با او بسی دشوارتر و سخت تر است. تا قبل از بنی عباس، امویان با امام صادق روبرو بودند که مظالم آن‌ها بر سر بازارها گفته شده بود اما آن‌ها از بین رفتند و بنی عباس انقلابی روی کار آمده که لباس رسمی‌شان به عنوان ماتم عاشورا سیاه است.

در حقیقت بنی عباس با پوشیدن لباس سیاه عوام فریبی کردند (و كانوا یقولون هذا السواد حداد آل محمد) لباس سیاه ماتم کشتگان ماتم کربلا، شعار و نشانه بنی عباس بود. امام صادق در تعبیری فرمودند: میدانم که اینها لباس اهل جهنم را پوشیده‌اند و مردم را وادار کرده‌اند به پوشیدن آن.

در مقابل چنین حکومت تازه نفسی که اسرار خاندان بنی هاشم را خوب می‌دانستند، می‌دانستند که از کجا برای امام صادق نامه می‌آید، از کجا برای ایشان پول می‌فرستند و مردم کدام ولایات به او علاقه مند ترند، آیا قیام امام صادق عملی است؟

* حجاج بن یوسف از سنگدل‌ترین حاکمان اموی بود و در طول ۲۰ سال حکومت بر عراق، عرب و عجم جنایات بسیاری کرد، او به جنگ با عبدالله بن زبیر به مکه حمله کرد و کعبه را ویران نمود، در زندان او ۵۰ هزار مرد و ۳۰ هزار زن بودند که ۱۶ هزار نفر آن‌ها عریان بودند. او به شدت به دشمنی با امیرالمؤمنین و فرزندانش پرداخت و بزرگانی همچون کمیل و قنبر را به شهادت رساند. او معتقد بود که مقام خلیفه از پیامبر اکرم بالا تر است.

اقدام عملی امام صادق (ع) برای ترویج تشیع، معرفی بنی عباس و پرورش نیروهای مجاهد:

امام صادق دست به ابتکار زد و با تبلیغات زمینه‌های فکری مردم را آماده نمود و مردم را با این حقیقت یعنی غضب خلافتی که بنی عباس (مدعیان هاشمی‌گری و مخالفان دین بنی هاشم) کرده‌اند، آشنا نمود (کار اول امام صادق). همچنین باید طرز فکر تشیع را در بین مردم ترویج کند (کار دوم). از طرفی نیز باید آن جمعیتی را که باید او را همراهی کنند و قیام نمایند و زمینه را از دست دشمن بگیرند و بر اوضاع مسلط شوند را پرورش دهد (کار سوم).

* مسئله تبلیغات: برای مثال در حدود شام و مقر خاندان بنی امیه مردمی وجود داشتند که بخصوص برای خاندان امیرالمؤمنین هیچ رتبه و منزلی قائل نبودند، مردم بر اثر تبلیغات بنی امیه معتقد بودند که علی (ع) نه فقط از اسلام نیست بلکه ضد اسلام است. امام صادق باید این‌ها را درست کند.

در روایتی نقل شده که گروهی از قبیله بنی اود پیش حجاج آمدند و افتخارشان دشمنی با خاندان پیامبر (ص) بود (حدود سی سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین) و پس از بحث و گفت و گو به بیان مناقب و افتخارات خود پرداختند. فرد سرشناس این گروه عبدالله بن ادريس بن هانی بود که چنین به بیان فضائل قبیله خود می‌پردازد: تاکنون در مجامع ما نسبت به عثمان کمترین بدگویی نشده و همه ما ارادتمندان عثمانیم، در میان ما یک نفر عصیانگر و خروج کننده علیه حکومت وجود نداشته، در تمام جنگ‌هایی که علی بن ابی طالب با دشمنان خودش کرد از قبیله ما فقط یک نفر پیدا شد که در همه آن جنگ‌ها حضور داشت و آن یک نفر به خاطر این جرم از چشم همه ی قبیله افتاد. در قبیله ما مرسوم است که هر که می‌خواهد ازدواج کند از زن مورد نظر خود می‌پرسد آیا تو ابوتراب را دوست داری؟ اگر جواب زن مثبت باشد این ازدواج به هم می‌خورد، در میان ما هیچ فرزند پسری به دنیا نیامد که نامش را علی، حسن یا حسین بگذارند و هیچ دختری نبود که نام او را فاطمه بگذارند و... اینجاست که امام صادق باید از نو همان مرحله ای را که امام سجاد شروع کرد، شروع کند، مبارزات تبلیغاتی و ایدئولوژیکی خود را با کمال شدت، تعقیب کند، حزب شیعه را سروسامان دهد و همان تشکیلات منظم را از نو احیا و زنده کند.

* در ابتدای دوران بنی عباس، امام صادق برای منسجم کردن تشکیلات شیعه تلاش نمود.

کم بودن جمعیت شیعیان واقعی در زمان امام صادق(ع):

در کتاب «کافی» روایتی نقل شده که مرد پیش امام صادق آمد و گفت: آقا چرا شما قیام نمی‌کنید، چرا حکومت را نمی‌گیرید؟ امام صادق می‌گوید: بلند شو برویم بیرون مدینه، به یک جایی می‌رسند و نماز می‌خوانند، می‌گویند: امام به طرف من برگشت و با اشاره به گوسفندهای اطراف ما فرمود: اگر من بقدر این گوسفندها آدم داشتم، حرکت می‌کردم، این شخص می‌گوید: گوسفندها را شمردم دیدم ۱۷ گوسفند است. وضع شیعیان بعد از روی کار آمدن بنی العباس اینگونه بوده است.

- امام صادق(ع) از ده سال اول حکومت بنی عباس برای ترویج معارف شیعی استفاده نمود؛ این چندین هزار روایت را ما از آن ده سال داریم. چراکه در ابتدای حکومت بنی عباس باید با دشمنانی از شام و یمن و... می‌جنگیدند و امور را اداره می‌کردند لذا نمی‌رسیدند که به امام صادق بپردازند. اما بعد از اینکه بنی عباس از این مسائل به آرامش رسیدند، منصور متوجه آموزش‌های امام صادق شد، او می‌دانست که از راه همین آموزش‌ها، انقلاب‌های بزرگ به وجود آمده و در همین حلقه‌های درس و تعلیم است که مردان پولادین ساخته می‌شوند.
- امام صادق مدت‌ها تبعید بود، برای مثال باری در شهر حیره بود و هیچ کس اجازه ملاقات با ایشان را نداشت، شخصی برای ملاقات با امام سه روز منتظر ماند اما در نهایت با لباس مبدل خیارفروش به محضر امام رسید.
- دوران امام صادق مقداری به آموزش‌های تبلیغاتی گذشت، مقداری به سامان دادن بسیاری از نابسامانی‌های تشکیلات شیعه و مسئله مهم دیگری که در این دوران صورت گرفت کمک فکری کردن بود.

قیام زید بن علی در نظر معصومان

پیامبر (ص) درباره زید فرمود: از فرزندان من کسی خواهد آمد که در راه خدا شهید خواهد شد و کسانی که در آن جنگ با او شهید می‌شوند روز قیامت بر روی دوش خلائق سیر می‌کنند و زودتر از همه به بهشت می‌روند. زید بن علی همان شخصی است که امام سجاد (ع) می‌فرماید: «وقتی خدا این بچه را به من داد قرآن را باز کردم و دیدم این آیه آمد: ان الله اشتری من المومنین انفسهم و امواله بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون. می‌فرماید فهمیدم این همان فرزندی است که پیغمبر گفته لذا اسمش را زید گذاشتم»

ایستگاه تست در نامه ۶

۱- یکی از ملزومات مبارزات سیاسی و فعالیت های حاد و قاطع کدام است؟

۱. در راس آن رهبری همچون امام حضور داشته باشد

۲. فعالیت های فکری و تبلیغاتی به اندازه کافی انجام شده باشد

۳. وجود علم به مکتب و عمل به آن

۴. تقوا و عدالت

۲- در مبارزات سیاسی کدام مسئله باید از ابتدا تا انتهای فرایند مبارزه مطرح و در جریان باشد؟

۱. ایجاد زمینه پذیرش

۲. تبیین طرز فکر غالب

۳. مسائل تبلیغی و فرهنگی

۴. سیره رهبر و پیشوای ایدئولوژی

۳- در جریان فعالیت های تبلیغی نهضت مقاومت تشیع، بیان حقایق و تبیین ایدئولوژی بر عهده چه کسی بود؟

۱. امام حسن (ع) ۲. حجر بن عدی ۳. علما درباری ۴. مردم

۴- هدف اصلی قیام امام حسین (ع) طبق برداشت شیعیان معاصر آن حضرت کدام است؟

۱. امر به معروف ۲. ایجاد حکومت ۳. شهادت ۴. ایجاد محیط اسلامی

۵- کدام اقدام امام سجاد سبب فائق آمدن بر حکومت زمان و کنار زدن آن بود؟

۱. تدوین مکتب ۲. تبلیغ و بیان ایدئولوژی ۳. ایجاد جمعیت مجهز ۴. مبارزه سیاسی

۶- کدام گزینه یکی از اقدامات عملی امام صادق (ع) برای ترویج تشیع را بیان می کند؟

۱. پرورش نیرو ۲. ایجاد تشکیلات ۳. مبارزه حاد ۴. تدوین مکتب

۷- بیشترین فعالیت امام صادق (ع) در ابتدای دوران بنی عباس صرف کدام مورد شد؟

۱. مبارزه حاد ۲. تربیت شاگرد

۳. انسجام بخشیدن به تشکیلات شیعی ۴. تبلیغات و بیان مفاسد بنی عباس

۸- دلیل مشکلات امام علی (ع) بعد از قبول خلافت چه بود.

۱. آماده نبودن مردم و زمینه لازم

۲. تاثیرات منفی خلفا بر دین و عقاید مردم

۳. وجود فرقه های انحرافی در زمان ایشان

۴. نبود تبلیغات لازم برای دین و تشیع

۹- آماده نبود مردم و موقعیت برای تشکیل حکومت اسلامی در زمان کدام معصوم در اوج خود قرار داشت.

۱. امام سجاد (ع) ۲. امام علی (ع) ۳. امام حسین (ع) ۴. امام باقر (ع)

پایه‌نامه ایستگاه تست در نامه ۶	
پایه	سوال
۲	۱
۳	۲
۱	۳
۴	۴
۳	۵
۱	۶
۳	۷
۱	۸
۴	۹